

در آزمون وکالت ۱۳۹۸ پیروزی از آن حقوقدانان قدرتمندی بود که به آزمونهای مفهومی و مهارتی دادستان مسلط بودند.

«آیین دادرسی کیفری»

۱۰۱. در جرایم فاقد جنبه حق الهی، دادگاه تحت کدام یک از شرایط زیر، مبادرت به صدور حکم غیابی می کند؟

- ۱) چنانچه متهم در جلسه دادگاه حاضر نشده باشد، هر چند وکیل حضور داشته باشد.
 - ۲) در صورتی که متهم در جلسه دادگاه حاضر نباشد، هر چند وکیل او لایحه دفاعیه داده باشد
 - ۳) هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده یا لایحه دفاعیه نفرستاده باشد
 - ۴) هرگاه متهم یا وکیل او، صرفاً در جرایم مذکور در ماده ۳۰۲ ق.آ.د. ک. ۹۲. است.
۱۰۱. گزینه ۳ پاسخ است. موضوع اصلی پرسش: «رای غیابی و واخواهی»

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش: نکته ۱: سوال بر گرفته از متن ماده ۴۰۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که می گوید: «در تمام جرائم، به استثنای جرائمی که فقط جنبه حق الهی دارند، هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشود یا لایحه دفاعیه نفرستاده باشد، دادگاه پس از رسیدگی، رأی غیابی صادر می کند» نکته ۲: لذا گزینه ۳ با این متن «هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده یا لایحه دفاعیه نفرستاده باشند» پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند:

نکته ۱: در مجموع مبسوط نام های آزمون وکالت ۹۸ موسسه دادستان، ۶۸ بار به ماده ۴۰۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ استناد و اشاره شده است. که فقط در مبسوط نامه ۵ آزمون جامع آخر، بیش از ۱۰ بار به ماده ۴۰۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ استناد شده است. در ادامه به یک مورد از آنها اشاره می شود.

نکته ۲: اگر به نکته ۹ همین قسمت از مبسوط نامه سوال ۱۱۴ آزمون جامع چهارم (آزمون ۲۷ مورخ ۱۳۹۸/۸/۲۴) دقت می کردید: «نکته ۹: طبق ماده ۴۰۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ در جرائم حق الهی محض، رسیدگی و صدور حکم غیابی بر محکومیت ممکن نیست.» منظور این پرسش از «جرایم فاقد جنبه حق الهی» را به درستی فهمیده بودید. نکته ۳: حال به نکته اول از قسمت سوم مبسوط نامه سوال فوق الذکر خوب دقت کنید: «نکته ۱: برخلاف آراء محاکم حقوقی که ملاک غیابی یا حضوری بودن آن (۱) حضور متهم یا وکیل وی یا (۲) ابلاغ واقعی و یا (۳) ارسال لایحه است، در دادرسی کیفری این ملاک در ماده ۴۰۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ دوگانه است. الف) حضور متهم یا وکیل وی در دادگاه یا (۲) ارسال لایحه دفاعی از سوی آن ها است.» آیا همین ملاک دوگانه مذکور در این نکته پاسخ درست این پرسش نبود؟

۱۰۲. در کدام فرض، در مورد متهمی که قبلاً در خصوص اتهام وی به دلیل عدم کفایت ادله، قرار منع تعقیب صادر و در دادگاه قطعی شده است، امکان

تعقیب مجدد برای همان اتهام وجود دارد؟

- ۱) کشف دلیل جدید - درخواست دادستان - اجازه دادگاه
- ۲) کشف دلیل جدید - درخواست شاکی - اجازه دادستان
- ۳) کشف دلیل جدید - موافقت دادستان
- ۴) کشف دلیل جدید - موافقت دادگاه

۱۰۲. گزینه ۱ پاسخ است. موضوع اصلی پرسش: «تجویز تعقیب مجدد متهم»

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از متن ماده ۲۷۸ ق.آ.د.ک. ۹۲ است: «هرگاه به علت جرم نبودن عمل ارتكابی، قرار منع تعقیب صادر و به هر دلیل قطعی شود، نمی توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد. هرگاه به علت فقدان یا عدم کفایت دلیل، قرار منع تعقیب صادر و در دادسرا قطعی شود، نمی توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد، مگر پس از کشف دلیل جدید که در این صورت، با نظر دادستان برای یکبار قابل تعقیب است و اگر این قرار در دادگاه قطعی شود، پس از کشف دلیل جدید به درخواست دادستان می توان او را برای یکبار با اجازه دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهام، تعقیب کرد. در صورتی که دادگاه، تعقیب مجدد را تجویز کند، باز پرس مطابق مقررات رسیدگی می کند.»

نکته ۲: لذا گزینه ۱ با این متن «کشف دلیل جدید - درخواست دادستان - اجازه دادگاه» پاسخ این سوال است.



حقوق دانان هوشمند، فقط ادعایی را می پذیرند که مستند و مستدل باشد.

قسمت دوم: تطبیق مستند :

نکته ۱: در مجموع مبسوط نام های آزمون وکالت ۹۸ موسسه دادستان، ۲۷ بار به ماده ۲۷۸ ق.آ.د.ک. ۹۲ استناد و اشاره شده است. در ادامه به یک مورد از آنها اشاره می شود.

نکته ۲: به موضوع اصلی پرسش ۱۱۶ آزمون شماره ۶ از ۶۵ مرحله ای مورخ ۱۰/۱۲/۱۳۹۷ دقت کنید: «۱۱۶». گزینه ۲ پاسخ است. «موضوع اصلی پرسش: تجویز تعقیب مجدد متهم»

نکته ۳: موضوع اصلی پرسش شماره ۱۰۲ آزمون ۱۸ از ۶۵ مرحله ای مورخ ۲۸/۴/۱۳۹۸ را ببینید: «۱۰۲- گزینه ۴ پاسخ است. «موضوع اصلی پرسش: تشریفات تجویز تعقیب مجدد متهم»

نکته ۳: حال به نکات ذیل از مبسوط نامه سوال ۱۰۲ مذکور در نکته قبل دقت کنید: «نکته ۴: ادله قبلی پرونده دلیل جدید محسوب نمی شود و دلیل جدید، دلیلی باید باشد که در پرونده قبلاً ارائه نشده باشد. نکته ۵: تا به حال مرجع تجویز تعقیب مجدد متهم، فقط دادگاه بود. اما مقنن در ماده ۲۷۸ ق.آ.د.ک. ۹۲ دو مرجع پیش بینی کرده است. اما الآن اگر قرار منع تعقیب، در دادسرا صادر و به لحاظ عدم اعتراض بدان قطعی شده باشد، مرجع صدور مجوز تعقیب مجدد، در صورت وجود شرایط قانونی، خود دادستان است. نکته ۶: اما اگر قرار منع تعقیب، در دادسرا صادر و به لحاظ اعتراض بدان، در دادگاه رسیدگی و با تأیید قرار و رد اعتراض بدان قطعی شده باشد، مرجع صدور مجوز تعقیب مجدد، در صورت وجود شرایط قانونی و به درخواست دادستان، دادگاه صالح به رسیدگی به اصل اتهام (ماده ۲۷۱ ق.آ.د.ک. ۹۲) است. این سؤال از این قسمت ماده طرح شده است.»

نکته ۴: با فهم نکته ۴ سوال را بخوبی فهمیده و آنگاه نکته ۶ پاسخ درست این سوال بود. نبود؟؟؟

۱۰۳. در جرایم غیر قابل گذشت، در فرضی که پس از صدور کیفرخواست و قبل از ارسال پرونده به دادگاه، شاکی رضایت قطعی خود را اعلام کند، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) صرفاً چنانچه امکان تعلیق و تعقیب باشد، دادستان باید از کیفرخواست عدول کند
 - ۲) پس از اعلام رضایت شاکی دادستان مکلف به عدول از کیفرخواست و صدور کیفرخواست جدید است
 - ۳) در هر حال، امکان عدول از کیفرخواست وجود ندارد و دادگاه می تواند رضایت را به عنوان کیفیت مخففه در نظر گیرد
 - ۴) در صورتی که در نتیجه رضایت شاکی نوع مجازات تغییر کند، دادستان از کیفرخواست قبلی عدول و بر این اساس، کیفرخواست جدید صادر می کند
۱۰۳. گزینه ۴ پاسخ است. موضوع اصلی پرسش: «عدول از کیفرخواست قبل از ارسال به دادگاه»
- قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از متن ماده ۲۸۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که می گوید: «پس از صدور کیفرخواست و قبل از ارسال به دادگاه، هرگاه شاکی در جرائم قابل گذشت، رضایت قطعی خود را به دادستان اعلام کند، در صورت وجود پرونده در دادسرا، دادستان از کیفرخواست عدول می کند. در این صورت، قرار موقوفی تعقیب توسط بازپرس صادر می شود. در جرائم غیر قابل گذشت، هرگاه شاکی رضایت قطعی خود را اعلام کند، دادستان در صورت فراهم بودن شرایط صدور قرار تعلیق تعقیب، می تواند از کیفرخواست عدول و تعقیب را معلق کند و در صورتی که در نتیجه رضایت شاکی نوع مجازات تغییر کند، دادستان از کیفرخواست قبلی عدول و بر این اساس کیفرخواست جدید صادر می کند.»

نکته ۲: لذا گزینه ۴ با این متن «در صورتی که در نتیجه رضایت شاکی نوع مجازات تغییر کند، دادستان از کیفرخواست قبلی عدول و بر این اساس، کیفرخواست جدید صادر می کند» پاسخ این سوال است.



در آزمون وکالت ۱۳۹۸ پیروزی از آن حقوقدانان قدرتمندی بود که به آزمونهای مفهومی و مهارتی دادستان مسلط بودند.

قسمت دوم: تطبیق مستند :

نکته ۱: در مجموع مبسوط نام های آزمون وکالت ۹۸ موسسه دادستان، ۲۰ بار به ماده ۲۸۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ استناد و اشاره شده است که فقط ۴ مورد آن در مبسوط نامه سوال ۱۰۸ آزمون ۲۶- (جامع سوم) مورخ ۱۷ / ۸ / ۱۳۹۸ بوده است. موضوع اصلی پرسش مذکور این بوده است: « عدول و اصلاح و استرداد کیفرخواست منوط است به عدم ارسال پرونده به دادگاه »

نکته ۲: حال به نکات ذیل مبسوط نامه این سوال دقت کنید: « نکته ۶: علاوه بر این طبق ماده ۲۸۳ ق.آ.د.ک. ۹۲: « پس از صدور کیفرخواست و قبل از ارسال به دادگاه، هرگاه شاکی در جرائم قابل گذشت، رضایت قطعی خود را به دادستان اعلام کند، در صورت وجود پرونده در دادسرا، دادستان از کیفرخواست عدول می کند. » یعنی مکلف است و در اینجا دادستان اختیار نه که تکلیف به عدول دارد. نکته ۷: حال پس از حصول شرایط عدول از کیفرخواست، سه حالت متصور است: حالت اول: اگر جرم مرتکب از جرائم قابل گذشت نتیجه عدول از کیفرخواست صدور قرار موقوفی تعقیب است که البته توسط بازپرس صادر می شود. ماده ۲۸۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ هم می گوید: « در این صورت، قرار موقوفی تعقیب توسط بازپرس صادر می شود. » فرض قانون هم بر این بوده که قرار جلب به محاکمه را خود بازپرس صادر نموده که قرار موقوفی را هم باید بازپرس صادر نماید. زیرا درجایی که بازپرس هست، تحقیقات مقدماتی طبق ماده ۹۲.ا.م. نمی تواند بر عهده دادستان باشد. نکته ۸: البته بدیهی است اگر دادستان خود طبق شرایط استثنایی ماده ۹۲.ا.م. در صورت نبودن بازپرس در جرائم غیر مذکور در ماده ۳۰۲، به جانشینی بازپرس اقدام کند، پس همانند صدور قرار جلب به دادرسی، مرجع صدور قرار موقوفی تعقیب هم به جانشینی خودش است. اما در قانون گفته قرار موقوفی تعقیب توسط بازپرس صادر می شود. یعنی بازپرس هست و لذا دادستان نمی تواند در فرض مقنن، قرار موقوفی تعقیب صادر کند. نکته ۹: حالت دوم و سوم مربوط به جایی است که جرم ارتكابی از جرائم غیرقابل گذشت است. در حالت دوم، پس از گذشت شاکی و عدول دادستان، طبق ماده ۲۸۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ « دادستان در صورت فراهم بودن شرایط صدور قرار تعلیق تعقیب، می تواند از کیفرخواست عدول و تعقیب را معلق کند » یعنی در این حالت دادستان وفق ماده ۸۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ اقدام به صدور قرار تعلیق تعقیب می کند. زیرا در اینجا بازپرس حق صدور قرار تعلیق تعقیب را ندارد. نکته ۱۰: در حالت سوم، پس از عدول از کیفرخواست در جرائم غیرقابل گذشت، در صورتی که گذشت شاکی خصوصی، موجب تغییر نوع مجازات متهم شود، که در حدود (حد سرقت) و قصاص (نفس یا عضو) این امر امکان دارد، دادستان پس از عدول کیفرخواست اصلاحی بر اساس مقررات مربوط به مجازات قانونی با توجه به گذشت شاکی صادر می کند. در این حالت کیفرخواست اصلاح می شود.»

نکته ۳: آیا پاسخ این سوال نکته ۶ بعلاوه نکته ۱۰ این مبسوط نامه نبود؟ درود بر خودت!!!

۱۰۴. مرجع صالح برای رسیدگی به اعتراض متهم و کفیل در خصوص دستور دادستان مبنی بر اخذ وجه التزام و وجه الكفاله، کدام دادگاه است؟

۱) کیفری ۱

۲) کیفری ۲

۳) کیفری صالح برای رسیدگی به اتهام

۴) تجدید نظر استان

۱۰۴. گزینه ۲ پاسخ است. موضوع اصلی پرسش: « مرجع اعتراض به دستور ضبط تامين »

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال بر گرفته از متن ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که می گوید: « متهم، کفیل و وثیقه گذار می توانند در موارد زیر ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ دستور دادستان،

درباره اخذ وجه التزام، وجه الكفاله و یا ضبط وثیقه اعتراض کنند. مرجع رسیدگی به این اعتراض، دادگاه کیفری دو است »

نکته ۲: لذا گزینه ۲ با این متن « کیفری دو » پاسخ است



حقوق دانان هوشمند، فقط ادعایی را می پذیرند که مستند و مستدل باشد.

قسمت دوم: تطبیق مستند :

نکته ۱: در مجموع مبسوط نام های آزمون وکالت ۹۸ موسسه دادستان، ۷۰ بار به ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ استناد و اشاره شده است که فقط ۶ مورد آن در مبسوط نامه های آزمون های جامع اول و سوم و چهارم بوده است.

نکته ۲: حال به نکته ۱۵ قسمت چهارم مبسوط نامه سوال ۱۱۵ آزمون جامع چهارم مورخ ۱۳۹۸/۸/۲۴ دقت کنید. عنوان این قسمت از مبسوط نامه را هم دقت کنید: قسمت چهارم: مرور برخی نکات مهم سابق آزمون های قبلی موسسه دادستان در خصوص موضوع این سؤال (مخصوص داوطلبان دانش جوی پرتلاش): «متن نکته ۱۵ این است: «دادگاه صالح برای حل اختلاف دادستان و بازپرس و نیز اختلاف دادستان و جانشین بازپرس (دادیار و دادرس دادگاه شهرستان) طبق مواد ق.م.ا. ۹۲ و (رئیس یا دادرس دادگاه بخش) طبق ۳۳۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ و اعتراض به قرارهای قابل اعتراض دادرس، مطلقاً طبق ماده ۲۷۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ دادگاه صالح به رسیدگی به اصل اتهام است مگر در برخی موارد مانند ذیل ماده ۲۷۱، ماده ۲۷۲ و ۲۳۵ که مقنن خود مرجع اعتراض را دادگاه کیفری دو اعلام می کند.» خوب دانش جوی پرتلاش دادستانی نوش جان!!!

نکته ۳: نکته ۲ سوال ۱۱۷ از آزمون پنجم از ۶۵ مرحله ای مورخ با عنوان: «موضوع اصلی پرسش: مرجع اعتراض به دستور اخذ وجه التزام، وجه الكفاله و یا دستور ضبط وثیقه» را هم دقت کنید: «نکته ۲: حسب صدر ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ و تبصره ۲ همین ماده مرجع اعتراض به دستور اخذ وجه التزام، وجه الكفاله و یا دستور ضبط صادره از سوی (۱) رئیس یا دادرس دادگاه بخش و یا (۲) دادستان عمومی و انقلاب شهرستان، در صورت دادگاه کیفری دو است.»

۱۰۵. اعلام جرم از سوی سازمان های مردم نهاد دارای مجوز، در کدام فرض پذیرفته میشود؟

- (۱) در جرم قابل گذشت که دارای بزه دیده خاص است، هر چند بدون رضایت وی باشد
- (۲) در جرمی که نسبت به موضوع مورد حمایت آنان ارتکاب یافته، هر چند در اساسنامه آن ها درج نشده باشد
- (۳) فقط در جرایم غیرقابل گذشت که نسبت به موضوع مورد حمایت آنان ارتکاب یافته و اسامی این سازمان ها توسط مراجع رسمی اعلام شده باشد.
- (۴) در هر جرمی که نسبت به موضوع مورد حمایت مندرج در اساسنامه آنان ارتکاب یافته و اسامی این سازمان ها توسط مراجع رسمی اعلام شده باشد

۱۰۵. گزینه ۴ پاسخ است. موضوع اصلی پرسش: «تشریفات اعلام جرم سازمان های مردم نهاد»

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش: **نکته ۱:** سوال از تبصره ماد ۶۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ طرح شده است که می گوید: «سازمان های مردم نهادی که اساسنامه آن ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می توانند نسبت به جرائم ارتکابی در زمینه های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.»

نکته ۲: تبصره ۱ «در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه دیده طفل، مجنون و یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او اخذ می شود. اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می دهند.» بارها متذکر شدیم که این تبصره مربوط به جرایم منافی عفت و قابل گذشت است.

نکته ۳: طبق تبصره ۳ این ماده: «سازمان های مردم نهاد در صورتی می توانند از حق مذکور در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴ استفاده کنند که از مراجع ذی صلاح قانونی ذی ربط مجوز اخذ کنند ...» قسمت انتهایی پاسخ مربوط به این تبصره الحاقی ۱۳۹۵ است.

نکته ۴: با توجه به تبصره ۱ و ۳ ماده ۶۶ و امکان اعلام جرم در جرایم قابل گذشت از سوی این سازمان ها، بنابراین قید «فقط» در ابتدای گزینه ۳، گزینه ۳ را نادرست کرده است. **نکته ۵:** فلذا گزینه ۴ با این متن «در هر جرمی که نسبت به موضوع مورد حمایت مندرج در اساسنامه آنها ارتکاب یافته و اسامی این سازمان ها توسط مراجع رسمی اعلام شده باشد.» پاسخ این سوال است.



در آزمون وکالت ۱۳۹۸ پیروزی از آن حقوقدانان قدرتمندی بود که به آزمونهای مفهومی و مهارتی داداستان مسلط بودند.

قسمت دوم: تطبیق مستند:

نکته ۱: در مجموع مبسوط نام های آزمون وکالت ۹۸ موسسه داداستان، ۳۹ بار به ماده ۶۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ استناد و اشاره شده است که فقط ۳ مورد آن در مبسوط نامه های آزمون های جامع سوم بوده است.

نکته ۲: حال به موضوع اصلی سوال ۱۰۹ آزمون ۲۶- (جامع سوم) مورخ ۱۷ / ۸ / ۱۳۹۸ دقت کنید: «موضوع اصلی پرسش: شرایط اعلام جرم

سازمان های مردم نهاد برای شروع به تعقیب دعوای عمومی ناشی از جرم « آیا موضوع این پرسش آزمون وکالت همین موضوع نیست؟

نکته ۳: حال به نکات ذیل از قسمت دوم مبسوط نامه این پرسش داداستانی دقت کنید: « نکته ۱۰: اگر جرم اعلامی غیرقابل گذشت و از جرائم منافی عفت باشد، اعلام جرم شخص ثالث یا سازمان های مردم نهاد طبق ماده ۶۶ ق.آ.د.ک. اصلاحی ۲۴ / ۳ / ۱۳۹۴ در صورتی که جرم در ملأعام یا به عنف یا سازمان یافته باشد، ولو بزه دیده شکایت هم نکند، می تواند یکی از جهات قانونی شروع به تعقیب دعوای عمومی ناشی از جرم باشد. جرائم منافی عفت همگی غیرقابل گذشت هستند.

نکته ۱۱: باین حال، در جرائمی که بزه دیده خصوصی داشته باشد حسب مورد جلب رضایت بزه دیده، ولی یا قیم وی و یا مواردی که خود ولی مرتکب جرم شده، رضایت قییم اتفاقی یا تأیید دادستان جهت ارائه کمک و شروع تعقیب متهم ضروری است. لذا گزینه ۳ درست است.

نکته ۱۲: این مؤسسات با شرایط خاص مقرر در این ماده و تبصره های آن، می توانند هم در جرائم قابل گذشت و هم در جرائم غیرقابل گذشت در محدوده فعالیت قید شده در اساسنامه خود به عنوان شاکی ورود پیدا کنند و حتی در مرحله رسیدگی شرکت کنند اما با اصلاحات انجام شده در سال ۱۳۹۴، دیگر نمی توانند به حکم مراجع قضایی اعتراض نمایند.»

نکته ۴: خدا و کیلی جان حشمت فردوس، پاسخ این پرسش آزمون به شرح نکته تقدیمی شماره ۱۲ به شرح فوق نبود؟ افتاااا؟؟؟؟!!!!

۱۰۶. در مورد متهم، قرار تعلیق تعقیب صادر شده و متهم مجدداً در مدت تعلیق، مرتکب جرم تعزیری درجه هفت می شود. در کدام یک از فروض زیر قرار مجبور می شود؟

(۱) صدور کیفر خواست در مورد اتهام جدید (۲) صدور قرار تأمین کیفری در مورد اتهام جدید

(۳) به محض شروع به تعقیب کیفری در مورد اتهام جدید (۴) به محض صدور قرار نهایی از دادسرا در مورد اتهام جدید

۱۰۶. گزینه ۱ پاسخ است. موضوع اصلی پرسش: « موارد لغو قرار تعلیق تعقیب»

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش: **نکته ۱:** سوال از متن تبصره ۱ ماده ۸۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ طرح شده است که می گوید: «

در صورتی که متهم در مدت تعلیق به اتهام ارتکاب یکی از جرائم مستوجب حد، قصاص یا تعزیر درجه هفت و بالاتر مورد تعقیب قرار گیرد و تعقیب وی منتهی به

صدور کیفرخواست گردد و یا دستورهای مقام قضائی را اجراء نکند، قرار تعلیق، لغو و با رعایت مقررات مربوط به تعدد، تعقیب به عمل می آید.....»

نکته ۲: لذا گزینه ۱ با این متن « صدور کیفرخواست در مورد اتهام جدید» پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند: نکته ۱: در مجموع مبسوط نام های آزمون وکالت ۹۸ موسسه داداستان، بیش از ۱۳۰ بار به ماده ۸۱ ق.آ.د.ک. ۹۲

و تبصره های آن استناد و اشاره شده است و اصطلاح «تعلیق تعقیب» بیش از ۱۲۰ بار تکرار شده است. که فقط ۲۵ مورد آن در مبسوط نامه های آزمون های جامع اول تا پنجم بوده است.

نکته ۲: برای مثال موضوع سوال ۱۰۱ آزمون جامع چهارم (آزمون ۲۷ از ۶۵ مرحله ای) مورخ ۲۴ / ۸ / ۱۳۹۸ را دقت کنید: «موضوع اصلی پرسش: شرایط لغو قرار تعلیق تعقیب» همین موضوع سوال ۱۰۶ نبود؟؟ بود.

نکته ۳: در قسمت اول مبسوط نامه همین پرسش داداستانی تحت عنوان «تحلیل سریع گزینه ها» گفتیم که «گزینه ۱ و ۳ با توجه به تبصره ۱ ماده ۸۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ درست است. دقت کنید که جرایم درجه ۷ کیفرخواست ندارند اما در قانون و آزمون وکالت ۹۴ همین تبصره غلط عیناً مورد سوال بوده است.»



حقوق دانان هوشمند، فقط ادعایی را می پذیرند که مستند و مستدل باشد.

۱۰۷. طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. این حکم

متضمن کدام یک از اصول جزایی زیر است؟

(۱) «قانونی بودن دادرسی» و «قانونی بودن جرم»

(۲) «فردی کردن کیفر» و «شخصی بودن مجازات»

(۳) «قانونی بودن مجازات» و «قانونی بودن دادرسی»

(۴) «قانونی بودن جرم و مجازات» و «شخصی بودن مسئولیت کیفری»

۱۰۷. گزینه ۳ پاسخ است. موضوع اصلی پرسش: «اصول جزایی قانون اساسی»

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از اصل ۳۶ قانون اساسی اخذ شده است: «حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد».

نکته ۲: طبق این اصل «حکم به مجازات بموجب قانون است» این یعنی اصل قانونی بودن مجازات.

نکته ۳: طبق این اصل، «اجرای مجازات باید به حکم دادگاه صالح و به حکم قانون باشد.» صلاحیت مهم ترین بحث آیین دادرسی و اجرای احکام، از مراحل دادرسی کیفری است. این یعنی اصل قانونی بودن دادرسی.

نکته ۴: ماده ۲ ق.آ.د.ک. ۹۲ می گوید: «دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد»

نکته ۵: لذا گزینه ۳ با این متن «قانونی بودن مجازات و قانونی بودن دادرسی» پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند:

نکته ۱: اگر به سوال ۱۱۳ آزمون ۲۱ از آزمون های مفهومی-مهارتی ۶۵ مرحله ای دادستان مورخ ۹۸/۶/۸ را ببینید، می بینید که «موضوع اصلی سؤال: اصول جزائی قانون اساسی» بوده است.

نکته ۲: حال به قسمت اول مبسوط نامه این سوال دقت کنید: «قسمت اول: تحلیل سریع گزینه ها: گزینه ۱ طبق اصل ۳۶ و گزینه ۲ طبق اصل ۳۷ و گزینه ۳ طبق اصل ۳۸ قانون اساسی ایران درست هستند اما گزینه ۴ نادرست است زیرا برخلاف اصل ۱۶۹ قانون اساسی است. ...» آیا اصل ۳۶ مندرج در گزینه ۱ این پرسش دادستانی، موضوع این سوال آزمون وکالت ۹۸ نبود؟ می دانید چه کسانی امروز برنده شدند؟ کسانی که نکته بعدی را جدی گرفتند.

نکته ۳: در قسمت دوم مبسوط نامه همین سوال تحت عنوان «نکته ای درباره مهارت تست زنی در این پرسش» به دادستانی ها متذکر شده بوده بودیم که: «اصول مربوط به فصل سوم «حقوق ملت» و فصل یازدهم «قوه قضائیه» در قانون اساسی، در بردارنده اصول جزائی قانون مذکور است. امسال به گفته اسکودا ممکن است مورد سؤال قرار گیرند و در آزمون های آتی بجای آ.و.ر. از قانون اساسی طرح سؤال می شود.»

نکته ۴: در آزمون های جامع نیز از اصول جزایی حاکم بر دادرسی کیفری سوال طرح شده است. برای مثال در سوال ۱۰۱ آزمون ۲۶- (جامع سوم) مورخ ۱۳۹۸/۸/۱۷ «موضوع اصلی پرسش: اصول حاکم بر تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲» بود و در نکته ۱ و ۲ قسمت سوم مبسوط نامه این سوال تحت عنوان «نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش: «چنین بیان شده بود:» نکته ۱: اصول ۸ گانه آیین دادرسی کیفری در مواد ۲ تا ۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ آمده و ضمانت اجرای آن هم در ماده ۷ بیان شده است. نکته ۲: این اصول کلی حاکم بر دادرسی کیفری عبارتند از: (۱) اصل قانونی بودن دادرسی کیفری (۲) اصل تساوی افراد در برابر قانون (۳) اصل بی طرفی (۴) اصل سرعت و عدم اطاله دادرسی (۵) اصل برائت (۶) اصل برتری حقوق بنیادین بشری بر قانون (۷) اصل شفافیت و اطلاع رسانی در دادرسی کیفری (۸) اصل تضمین دادرسی عادلانه» آيا قسمتی از پاسخ این سوال آزمون وکالت، در نکته ۲ همین پرسش دادستانی نیامده بود؟



در آزمون وکالت ۱۳۹۸ پیروزی از آن حقوقدانان قدرتمندی بود که به آزمونهای مفهومی و مهارتی دادستان مسلط بودند.

۱۰۸. چنانچه پس از صدور حکم در مرحله اجرای احکام، شاهدهی که شهادت شرعی وی موجب محکومیت محکوم علیه شده است، از شهادت خود

رجوع کند، قاضی اجرای احکام و دادستان به ترتیب با کدام تکلیف زیر مواجه هستند؟

(۱) اعلام مراتب به دادگاه صادرکننده حکم قطعی _ تقاضای اعاده دادرسی پس از موافقت دادگاه

(۲) اعلام مراتب به دادستان _ تقاضای اعاده دادرسی پس از موافقت دادگاه

(۳) اعلام مراتب به دادستان _ تقاضای اعاده دادرسی توسط دادستان

(۴) تقاضای اعاده دادرسی _ پیگیری موضوع در دیوان عالی کشور

۱۰۸. گزینه ۳ پاسخ است. موضوع اصلی پرسش: «آیین نامه نحوه اجرای احکام کیفری مصوب ۱۳۹۸»

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از متن ماده ۲۹ آیین نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل های معین مصوب ۲۷/۳/۹۸ اخذ شده که می گوید: «در موارد رجوع شاهد از مفاد شهادت شرعی و یا اثبات بطلان همه یا برخی سوگندها موضوع مواد (۱۹۸) و (۳۴۶) قانون مجازات اسلامی، قاضی اجرای احکام کیفری مراتب را به دادستان اعلام و دادستان در مورد ماده (۱۹۸) رأساً و در خصوص ماده (۳۴۶) پس از موافقت دادگاه تقاضای اعاده دادرسی می نماید.»

نکته ۳: ماده ۱۹۸ ق.ا.م. ۹۲: «رجوع از شهادت شرعی، قبل از اجرای مجازات موجب سلب اعتبار شهادت می شود و اعاده شهادت پس از رجوع از آن، مسموع نیست.»
نکته ۲: ماده ۳۴۶ ق.ا.م. ۹۲: «اگر پس از صدور حکم، بطلان همه یا برخی از سوگندها ثابت شود مانند آنکه برخی از اداءکنندگان سوگند، از سوگندشان عدول کنند یا دروغ بودن سوگند یا از روی علم نبودن سوگند، برای دادگاه صادرکننده حکم ثابت شود، مورد از جهات اعاده دادرسی است.» تقاضای دادستان در این مورد نیاز به تایید دادگاه دارد اما این امر مورد سوال نبود و رجوع از شهادت مورد سوال بود که مربوط به ماده ۱۹۸ ق.ا.م. ۹۲ است.

نکته ۴: اگر به روش شبکه ای ماده ۲۹ آیین نامه فوق الذکر را خوانده باشد، متوجه می شوید موضوع سوال از ماده ۱۹۸ ق.ا.م. ۹۲ است که در مورد شهادت شرعی است نه ماده ۳۴۶ که برای سوگند است.

نکته ۵: لذا گزینه ۳ با این متن «اعلام مراتب به دادستان - تقاضای اعاده دادرسی توسط دادستان» پاسخ است زیرا طبق ماده ۲۹ آیین نامه ناظر بر ماده ۱۹۸ ق.ا.م. ۹۲ پس از اعلام قاضی اجرای احکام کیفری به دادستان در این مورد، دادستان رأساً و بدون نیاز به موافقت دادگاه، تقاضای اعاده دادرسی می کند.

قسمت دوم: تطبیق مستند:

نکته ۱: در قسمت دوم سوال ۱۱۹ آزمون جامع اول (آزمون ۲۴ از ۶۵ مرحله ای دادستان) مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۹ در نکته اول مجدداً این نکته را متذکر شدیم که: «نکته ۱: یکی از مقررات خاص که حسب اعلام اسکودا مورد سؤال آزمون وکالت ممکن است قرار بگیرد آیین نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل های معین مصوب ۲۷/۳/۹۸ ریاست محترم قوه قضاییه است.»

نکته ۲: لذا در هر آزمون جامع یک سوال از مقررات مختلف این آیین نامه مطرح شد و متن آیین نامه در همان آزمون جامع اول پیوست مبسوط نامه شد. قبل از آن نیز از زمان اعلام منابع جدید آزمون توسط اسکودا، از این آیین نامه چندین سوال طرح شده است.

نکته ۳: حال کسانی که این احتمال را جدی گرفته و متن آیین نامه را مطالعه کرده اند، به یک سوال خاص آزمون وکالت ۹۸ پاسخ درست داده اند. این طور نیست؟

۱۰۹. شخصی متهم به ارتکاب جرایم متعدد است. در خصوص صدور قرار تامین کیفری کدام مورد صحیح است؟

(۱) در مورد وی قرار تامین واحد صادر می شود، مگر اینکه رسیدگی به اتهامات در صلاحیت ذاتی یا محلی دادگاه های مختلف باشد.

(۲) در مورد وی قرار تامین واحد صادر می شود، مگر اینکه رسیدگی به اتهامات در صلاحیت ذاتی دادگاه های مختلف باشد.

(۳) در مورد هر یک از اتهامات با لحاظ صلاحیت محلی، قرار تامین مستقل صادر می شود.

(۴) در هر صورت، در مورد وی قرار تامین واحد صادر می شود

۱۰۹. گزینه ۲ پاسخ است. موضوع اصلی پرسش: «تعدد تامین»



حقوق دانان هوشمند، فقط ادعایی را می پذیرند که مستند و مستدل باشد.

قسمت اول : نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از متن ماده ۲۱۸ ق.آ.د.ک. ۹۲ است: « برای اتهامات متعدد متهم، قرار تأمین واحد صادر می شود، مگر آنکه رسیدگی به جرائم ارتكابی در صلاحیت ذاتی دادگاه های مختلف باشد که در این صورت برای اتهامات موضوع صلاحیت هر دادگاه، قرار تأمین متناسب و مستقل صادر می شود.»

نکته ۲: لذا گزینه ۲ با این متن « در مورد وی قرار تأمین واحد صادر می شود، مگر آنکه رسیدگی به اتهامات در صلاحیت ذاتی دادگاه های مختلف باشد » پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند :

نکته ۱: غیر از سوال ۱۰۳، این سوال نیز پاسخ خود را در مبسوط نامه سوال ۱۰۸ - آزمون ۲۶ - (جامع سوم) مورخ ۱۷ / ۸ / ۱۳۹۸ داشته است.

نکته ۲: توضیح اینکه در نکته ۱۳ از قسمت سوم مبسوط نامه این پرسش دادستانی تحت عنوان: « نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش » چنین آمده است: « نکته قبل مربوط به حالتی است که شخصی مرتکب چند جرم بشود که در صلاحیت دادگاه های باصلاحیت ذاتی مختلف باشند، در این حالت، چه آن جرائم در یک حوزه باشند چه در چند حوزه، باید از ابتدا آنها را از هم تفکیک نموده و طبق ماده ۲۱۸ ق.آ.د.ک. ۹۲ برای هر اتهام یک تأمین مجزا صادر شود و سپس وفق ماده ۲۸۴ ق.آ.د.ک. ۹۲ باید برای هر دادگاه کیفری باصلاحیت ذاتی مختلف، کیفرخواست جداگانه صادر شود تا در نهایت طبق ماده ۳۱۴ ق.آ.د.ک. ۹۲ به طور جداگانه در دادگاه های مختلف رسیدگی شود.»

نکته ۳: آیا همین نکته پاسخ سوال ۱۰۹ آزمون وکالت ۹۸ را در بر نداشت؟ خوب پس بهتر است بدانید در مجموع مبسوط نام های آزمون وکالت ۹۸ موسسه دادستان، بیش از ۱۵ بار به ماده ۲۱۸ ق.آ.د.ک. ۹۲ استناد و اشاره شده است که یک مورد آن در مبسوط نامه های آزمون های جامع سوم به شرح فوق بوده است.

نکته ۴: همچنین موضوع اصلی پرسش ۱۲۰ آزمون ۶ از ۶۵ مرحله ای وکالت ۹۸ مورخ ۱۰ / ۱۲ / ۱۳۹۷: « تعدد تأمین در جرائم با صلاحیت ذاتی مختلف و استثنائات آن به روش شبکه ای » بوده و در قسمت سوم این مبسوط نامه با عنوان « نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش » چنین آمده است: « نکته ۱: ابتدا به مفاد ماده ۲۱۸ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲ دقت کنید: « برای اتهامات متعدد متهم، قرار تأمین واحد صادر می شود، مگر آن که رسیدگی به جرائم ارتكابی در صلاحیت ذاتی دادگاه های مختلف باشد که در این صورت برای اتهامات موضوع صلاحیت هر دادگاه، قرار تأمین متناسب و مستقل صادر می شود.» آیا پاسخ این سوال قسمت برجسته شده و خط کشیده شده این نکته نیست؟ قابل شما را ندارد. بفرمایید. یک پاسخ درست در چند ثانیه تقدیم شما دانش جوی پر تلاش ایرانی.

۱۱۰. منافع ممکن الحصول، در کدام صورت قابل مطالبه است؟

- (۱) در تمام جرایم، در صورتی که صدق اتلاف نماید.
- (۲) در تمام جرایم، در صورتی که حصول آن امکان داشته باشد.
- (۳) در غیر جرایم موجب تعزیر منصوص شرعی و دیه، در صورتی که صدق اتلاف نماید.
- (۴) در غیر جرایم موجب تعزیر منصوص شرعی و دیه، در صورتی که حصول آن امکان داشته باشد.

۱۱۰. گزینه ۳ پاسخ است. موضوع اصلی پرسش: « دعوای خصوصی ناشی از جرم »

قسمت اول : نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که می گوید: « منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی شود.»

نکته ۲: لذا گزینه ۳ با این متن « در غیر جرائم موجب تعزیر منصوص شرعی و دیه، در صورتی که صدق اتلاف نماید.» پاسخ این سوال است.



در آزمون وکالت ۱۳۹۸ پیروزی از آن حقوقدانان قدرتمندی بود که به آزمونهای مفهومی و مهارتی داداستان مسلط بودند.

قسمت دوم: تطبیق مستند :

نکته ۱: در مجموع مبسوط نامه های بی بدیل آزمون های بی نظیر مفهومی-مهارتی وکالت ۹۸ موسسه داداستان، ۱۷ بار به ماده ۱۴ ق.آ.د.ک. ۹۲ و ویژه تبصره ۲ آن استناد و اشاره شده است که فقط ۷ مورد آن در مبسوط نامه های آزمون های جامع اول تا پنجم بوده است.

نکته ۲: کافی است به قسمت چهارم مبسوط نامه سوال ۱۲۰ آزمون جامع اول (آزمون ۲۴ از ۶۵ مرحله ای داداستان) مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۹ تحت عنوان: « مرور برخی نکات مهم سابق آزمون های قبلی موسسه داداستان در خصوص موضوع این سؤال» رجوع کنید. آنگاه نکته ۹ و ۱۰ را خواهی دید که پاسخ این سوال آزمون وکالت عیناً از آنها بدست می آید. « نکته ۹: حال که انواع خسارت را متوجه شدید ماده ۱۴ و تبصره های آن را بخوانید. در خصوص خسارات ممکن الحصول قانون گذار آن را مقید به صدق اتلاف نموده یعنی به حدی باشد که عرف آن را اتلاف تلقی کند مثال کارگر یک مثال خوب است . تلف ولو با اتلاف هم یکی دانسته شود، همان واژه که در قانون آمده، در پاسخ سؤال باید مدنظر باشد. نکته ۱۰: توجه داشته باشید ضرر و زیان های معنوی و ممکن الحصول که ناشی از جرائم تعزیری منصوص شرعی و دیه باشد قابل وصول نمی باشد. این نکته یکی از سؤالات آزمون وکالت ۱۳۹۴ بود. پس توصیه ما به شما داوطلب پرتلاش آن است که تمام نکات مبسوط نامه ها را بخوانید و نکات مهم را به «محشای من» خودتان منتقل کنید.»

نکته ۳: همچنین در نکته ۴ قسمت دوم مبسوط نامه سوال ۱۰۴ آزمون جامع پنجم و آخر (آزمون ۲۸ از ۶۵ مرحله ای داداستان) مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۰۱ که هفته پیش تقدیم شما شد متذکر شدیم که: « تبصره ۲ این ماده چند بار مورد سوال قرار گرفته است و مفهوم منافع ممکن الحصول و محدودیت های مطالبه خسارت ناشی از جرم را بیان می کند.» « منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف کند. همچنین مقررات مربوط به منافع ممکن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل تعزیرات منصوص شرعی و مواردی که دیه پرداخت می گردد، نمی شود. « این هفته دیدید که مورد سوال ۱۱۰ آزمون وکالت ۹۸ قرار گرفت.

نکته ۴: هر داوطلبی که به دو توصیه ذیل نکته ۱۰ عمل کرده باشد، الان راحت می خوابد. چون به یک سوال دیگر با اطمینان به نفس، پاسخ درست داده است و ثمره تلاش خود را دیده است.

۱۱۱. در احضاریه، به تشخیص مقام قضائی، کدام یک از موارد زیر درج نمی شود؟

- ۱) نتیجه عدم حضور
- ۲) تاریخ حضور
- ۳) امضای مقام قضائی
- ۴) علت احضار

۱۱۱. گزینه ۴ پاسخ است. موضوع اصلی پرسش: « تشریفات احضار متهم»

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از متن تبصره ماده ۱۷۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که می گوید: « در جرائمی که به تشخیص مرجع قضائی، حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضاء کند، علت احضار ذکر نمی شود، ...»

نکته ۲: گزینه ۴ با این متن «علت احضار» پاسخ این پرسش است.



حقوق دانان هوشمند، فقط ادعایی را می پذیرند که مستند و مستدل باشد.

قسمت دوم : تطبیق مستند

نکته ۱: در مجموع مبسوط نامه های بی بدیل آزمون های بی نظیر مفهومی-مهارتی وکالت ۹۸ موسسه دادستان، ۶ بار به ماده ۱۷۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ استناد و اشاره شده است که آخرین مورد آن در گزینه ۲ سوال ۱۰۷ آزمون جامع اول (آزمون ۲۴ از ۶۵ مرحله ای دادستان) مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۹ بوده است. **نکته ۲:** در قسمت اول مبسوط نامه این پرسش ممتاز دادستانی در قسمت: «تحلیل سریع گزینه‌ها» چنین آمده است «گزینه ۱ نادرست است زیرا طبق ماده ۱۷۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ این فرصت مربوط به احضار متهم در دادسرا است و نه دادگاه‌های کیفری که طبق ماده ۳۴۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ نباید کمتر از ۷ روز باشد. گزینه ۲ طبق ماده ۱۷۰ و گزینه ۳ طبق تبصره ۱ ماده ۱۹۰ و گزینه ۴ طبق ماده ۲۱۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ که دوبار تابه‌حال مورد سؤال آزمون وکالت بوده است، درست هستند.» آیا گزینه ۲ و ماده ۱۷۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ مندرج در آن پاسخ این سوال آزمون وکالت ۹۸ نبود؟ نیاز به تشکر نیست. این نتیجه اعتماد شما به تجربه و تخصص ماست..

۱۱۲. جرایم مشمول صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح، ارتكابی توسط نظامیان دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل سر لشکری، در کدام

یک از دادگاه های زیر رسیدگی می شود؟

- ۱) دادگاه نظامی یک یا دو مرکز استان محل وقوع جرم، بر حسب نوع جرم
- ۲) دادگاه نظامی یک یا دو تهران، بر حسب نوع جرم
- ۳) دادگاه نظامی یک مرکز استان محل وقوع جرم
- ۴) فقط دادگاه نظامی یک تهران

۱۱۲. گزینه ۲ پاسخ است. موضوع اصلی پرسش: «صلاحیت کیفری»

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش: نکته ۱: یکی از مقامات مذکور در ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک. ۹۲: «رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه‌گانه و معاونان و مشاوران آنان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرنگان رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضائی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل‌های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، مدیران کل اطلاعات استانها حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران است، مگر آنکه رسیدگی به این جرائم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد. نکته ۲: سوال از متن تبصره ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که می گوید: «رسیدگی به اتهامات افسران نظامی و انتظامی موضوع این ماده که در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح می‌باشد، حسب مورد در صلاحیت دادگاه نظامی یک یا دو تهران است.» نکته ۳: فلذا گزینه ۲ با این متن «دادگاه نظامی یک یا دو تهران، بر حسب نوع جرم» پاسخ این سوال است.

قسمت دوم : تطبیق مستند نکته ۱: شاید باورتان نشود که در مجموع مبسوط نامه های بی بدیل آزمون های بی نظیر مفهومی-مهارتی وکالت ۹۸

موسسه دادستان، بیش از ۲۰۰ بار به ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ استناد و اشاره شده است که فقط ۵۹ مورد استناد به ماده ۳۰۷ در ۵ آزمون جامع آخر بوده است. **نکته ۲:** تقاضا می شود به موضوع اصلی سوال ۱۰۲ دقت کنید: «صلاحیت رسیدگی به جرائم مختلف افسران با درجه سرتیپ» که موضوع همین سوال آزمون وکالت ۹۸ نیز بوده است و ذیل مبسوط نامه همین سوال ۶ بار به ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک. ۹۲ استناد و اشاره شده است و رابطه آن ماده با ماده ۵۸۵ و ۵۹۸ ق.آ.د.ک. ۹۲ شرح داده شده است. **نکته ۳:** اما می دانید کدام داوطلب دادستانی امسال رکورد ۱۰۰ درصد در ۵ دقیقه را می شکنند، آن کسی که این نکته را جدی گرفته باشد: «..... به‌طور کلی تابه‌حال فهمیده و دانسته‌اید که هرگاه به ماده‌ای اشاره می‌شود باید تبصره‌های ذیل آن هم خوانده شود و بالعکس هرگاه به تبصره‌ای استناد می‌شود باید ماده مربوط را نیز بخوانید. این‌طور نیست؟» این مطلب را در نکته ۱ قسمت دوم مبسوط نامه سوال ۱۱۸ آزمون جامع چهارم مورخ ۱۳۹۸/۸/۲۴ به شما مجدداً متذکر شده بودیم. نگید کهنه گفته بودید که تقاضای ویدئو چک هم لازم نیست چون در پرتال داوطلبی هر داوطلب دادستانی متن این مبسوط نامه ها هست. **نکته ۴:** یعنی می شود کسی یک ماده را با دو تبصره اش بیش از ۲۰۰ بار مرور کند و این پرسش را ظرف چند ثانیه، پاسخ درست ندهد؟ هرگز چنین امکانی وجود ندارد حتی با یک بیستم این قدر تکرار هم چنین امکانی وجود ندارد. هرگز.



در آزمون وکالت ۱۳۹۸ پیروزی از آن حقوقدانان قدرتمندی بود که به آزمونهای مفهومی و مهارتی داداستان مسلط بودند.

۱۱۳. در صورتی که دادگاه تجدیدنظر استان، اساس حکم بدوی را صحیح بداند اما محکوم علیه را مستحق تخفیف مجازات تشخیص دهد، چه اقدامی می کند؟

(۱) ضمن تایید اساس حکم، می تواند مجازات را طبق قانون تخفیف دهد، هر چند محکوم علیه تقاضای تجدید نظر نکرده باشد.

(۲) در فرضی که دادستان یا شاکی تجدید نظر خواهی کرده باشند، امکان اعمال تخفیف مجازات وجود ندارد.

(۳) صرفاً چنانچه محکوم علیه تقاضای تجدید نظر و اعمال تخفیف کرده باشد، امکان تخفیف وجود دارد.

(۴) با توجه به صحت اساس حکم، امکان اعمال تخفیف وجود ندارد.

۱۱۳. گزینه ۱ پاسخ است. موضوع اصلی پرسش: « موارد تایید رای بدوی در مرجع تجدیدنظر »

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از متن ماده ۴۵۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که مقرر می دارد: « هرگاه دادگاه تجدیدنظر استان، محکوم علیه را مستحق تخفیف مجازات بداند، ضمن تایید

اساس حکم می تواند به نحو مستدل مجازات او را در حدود قانون تخفیف دهد، هر چند محکوم علیه تقاضای تجدیدنظر نکرده باشد. »

نکته ۲: لذا گزینه ۱ با این متن « ضمن تایید اساس حکم می تواند مجازات را طبق قانون تخفیف دهد، هر چند محکوم علیه تقاضای تجدیدنظر نکرده

باشد » پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند

نکته ۱: در مجموع مبسوط نامه های بی بدیل آزمون های بی نظیر مفهومی-مهارتی وکالت ۹۸ موسسه داداستان، بیش از ۲۰ بار به ماده ۴۵۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ استناد و اشاره شده است که فقط ۳ مورد استناد به ماده ۴۵۹ در سوال ۱۱۳ آزمون جامع اول و سوال ۱۰۶ آزمون جامع چهارم بوده است.

نکته ۲: خوب حالا به قسمت اول مبسوط نامه سوال ۱۰۶ تحت عنوان: «تحلیل سریع گزینهها» دقتی کنید. «الف» گزینه ۱ موجب نقض حکم نیست بلکه

طبق متن ماده ۴۵۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ رأی اصلاح و با تخفیف مجازات تائید می شود ولو محکوم علیه اعتراض نکند. ... « آیا همین ماده و همین نکته مورد سوال

۱۱۳ آزمون وکالت ۹۸ نیست؟ نکته ۳: حال به پیش بینی دقیق ما از طرح سوال از این ماده در نکته سوم از قسمت دوم مبسوط نامه همین سوال با عنوان: «

نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش» توجه کنید که در نکته سوم این قسمت آمده است: «نکته ۳: با مطالعه این سه ماده و تبدیل

آن ها به دو نمودار مقایسه ای بین دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور به این تفاوتها و تشابهات دست خواهید یافت. از شبکه این سه ماده [۴۵۵، ۴۵۰] و

[۴۶۹] و مواد مرتبط با آن یعنی ۴۵۷ تا ۴۵۹ و ۴۷۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ معمولاً یک سؤال در آزمون وکالت داریم. «دقیقاً مسأله دیدید اینجایک سوال از ماده ۴۵۹ و

یک سوال از ماده ۴۶۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ در سوال بعدی داشتیم.

نکته ۴: حالا خوش بحال کسانی است که وقتی گفتیم «یا ایها الذین آمنوا، آمنوا»، به روش علمی و عملی داداستان ایمان آوردند و شیوه تلاش خود را یکپارچه

و متمرکز بر روی قانون و درس نامه و مبسوط نامه ها قرار دادند. این سوال و سوال بعد همانند بیشتر سوالات امسال در واقع نوعی هدیه بادآورده ما به آنها

۱۱۴. چنانچه شعبه دیوان عالی کشور، در مقام رسیدگی فرجامی احراز نماید عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب به آن محکوم شده است، به فرض

ثبوت، جرم نیست. چه تصمیمی اتخاذ می کند؟

(۱) رای را نقض و برای رسیدگی مجدد به دادگاه صادرکننده رای ارجاع می دهد.

(۲) پرونده را برای رسیدگی مجدد به دادگاه هم عرض ارجاع می دهد.

(۳) رای را نقض و پرونده را به دادگاه هم عرض ارجاع می دهد.

(۴) رای صادره را نقض بلاارجاع می کند.

۱۱۴. گزینه ۴ پاسخ است. موضوع اصلی پرسش: « نقض بلا ارجاع »

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از متن شق ۱ بند ب ماده ۴۶۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ است: « اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت، جرم نبوده یا به لحاظ

شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، رأی صادره نقض بلا ارجاع می شود. »



حقوق دانان هوشمند، فقط ادعایی را می پذیرند که مستند و مستدل باشد.

نکته ۲: لذا گزینه ۴ با این متن «رای صادره را نقض بلاارجاع می کند» پاسخ این سوال است.

قسمت دوم: تطبیق مستند

نکته ۱: در مجموع مبسوط نامه های بی بدیل آزمون های بی نظیر مفهومی-مهارتی وکالت ۹۸ موسسه دادستان، حدود ۶۰ بار به ماده ۴۶۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ استناد و اشاره شده است که فقط ۱۷ مورد استناد به ماده ۴۶۹ مربوط به هر یک از پنج آزمون جامع انتهایی دادستان بوده است.

نکته ۲: خوب حالا به شق ۲ از قسمت دوم مبسوط نامه سوال ۱۱۳ آزمون جامع اول (آزمون ۲۴ از ۶۵ مرحله ای دادستان) مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۹ تحت عنوان: «نکته ای درباره مهارت تست زنی در این پرسش:» دقت کنید: «۱) فوت متهم بعد از اعتراض در دادگاه تجدیدنظر اگر در جلسه اداری و قبل تعیین وقت رسیدگی باشد وفق بند ت ماده ۴۵۰ و اگر بعد تعیین وقت رسیدگی باشد، وفق بند ب ماده ۴۵۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ از موارد نقض حکم بدوی و صدور قرار موقوفی تعقیب است. ۲) اما در هر دو حالت چون دیوان عالی کشور مجاز به صدور قرار مذکور نیست، طبق شق ۱ بند ب ماده ۴۶۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ رای بدوی را نقض بلاارجاع می کند که دقیقاً دارای آثار و احکام قرار منع و موقوفی تعقیب است. ۳) صفحه ۵ نمودارهای شش گانه (مقررات اختصاصی دادگاه تجدیدنظر و دیوان در رسیدگی به طرق عادی اعتراض) حداقل یک و حداکثر دو سؤال آزمون را به خود اختصاص خواهد داد. ۴) دوره امهات آخرین فرصت برای تنظیم باد زیاد (غرور کاذب) یا باد کم (عدم اعتمادبه نفس لازم) می باشد.»

نکته ۳: اگر مطلب هنوز جا نیفتاده پس به نکته شماره ۷ از قسمت سوم مبسوط نامه همین سوال تحت عنوان: «نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش» بیشتر دقت کنید تا به وضوح جواب را ببینید: «... نکته ۷: در هر دو حالت فوق، اگر متهم به جهات قانونی قابل تعقیب نباشد، دیوان عالی کشور طبق شق ۱ بند ب ماده ۴۶۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ رفتار می کند: «اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت، جرم نبوده یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، رأی صادره نقض بلاارجاع می شود.»

نکته ۴: میان ما و دادستان رمزی است*** چه داند آنکه اشتر می چراند؟؟ پاسخ درست و سریع به این سوال نیز گوارای وجودتان

۱۱۵. هرگاه پرونده با کیفرخواست به دادگاه کیفری دو ارجاع شود، دادگاه مکلف است چه اقدامی انجام دهد؟

- ۱) بدون تعیین وقت رسیدگی، حداکثر ظرف یک ماه، پرونده را بررسی و چنانچه خود را صالح به رسیدگی نداند یا مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب تشخیص دهد، باید حسب مورد، اتخاذ تصمیم کند.
 - ۲) صرفاً در صورت عدم احراز صلاحیت، باید قرار عدم صلاحیت صادر و در غیر این صورت، باید دستور تعیین وقت رسیدگی داده و طرفین را به دادرسی دعوت کند.
 - ۳) متعاقب بررسی پرونده، در هر صورت باید دستور تعیین وقت رسیدگی صادر و طرفین را دعوت کند.
 - ۴) بدون بررسی پرونده، باید بلافاصله دستور تعیین وقت رسیدگی داده و طرفین را دعوت کند.
۱۱۵. گزینه ۱ پاسخ است. موضوع اصلی پرسش: «رسیدگی غیرمستقیم دادگاه کیفری دو»

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش: **نکته ۱:** سوال از متن صدر ماده ۳۴۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که می گوید: «هرگاه پرونده با کیفرخواست به دادگاه ارجاع شود، دادگاه مکلف است بدون تعیین وقت رسیدگی حداکثر ظرف یک ماه، پرونده را بررسی و چنانچه خود را صالح به رسیدگی نداند یا مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب تشخیص دهد، حسب مورد، اتخاذ تصمیم کند. همچنین در صورتی که دادگاه تحقیقات را ناقص بداند یا موارد جدیدی پس از پایان تحقیقات کشف شود که مستلزم انجام تحقیق باشد، دادگاه با ذکر دقیق موارد، تکمیل تحقیقات را از دادرسی مربوط درخواست یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات می کند. در مورد اخیر و همچنین در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می شود، انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه باید طبق مقررات



در آزمون وکالت ۱۳۹۸ پیروزی از آن حقوقدانان قدرتمندی بود که به آزمونهای مفهومی و مهارتی داداستان مسلط بودند.

مربوط صورت گیرد. نکته ۲: لذا گزینه ۱ با این متن « بدون تعیین وقت رسیدگی حداکثر ظرف یک ماه، پرونده را بررسی و چنانچه خود را صالح به رسیدگی نداند یا مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب تشخیص دهد، باید حسب مورد، اتخاذ تصمیم کند » پاسخ این سوال است.

قسمت دوم : تطبیق مستند

نکته ۱: در مجموع مبسوط نامه های بی بدیل آزمون های بی نظیر مفهومی-مهارتی وکالت ۹۸ موسسه داداستان، ۵۰ بار به ماده ۳۴۱ ق.آ.د.ک. ۹۲ استناد و اشاره شده است که فقط ۱۲ مورد استناد به ماده ۳۴۱ مربوط به آزمون جامع اول و دوم و سوم داداستان بوده است.

نکته ۲: چهار مورد این ارجاعات در مبسوط نامه سوال ۱۰۷ آزمون جامع اول (آزمون ۲۴ از ۶۵ مرحله ای داداستان) مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۹ بوده است که پیشتر در پاسخ به سوال ۱۱۱ از آن یاد کردیم. یعنی با خواندن یک مبسوط نامه شبکه ای، به دو سوال مختلف آزمون وکالت ۹۸، با دو موضوع مختلف پاسخ داده اید. آفرین بر شما.

نکته ۳: داداستان در اولین آزمون تعیین سطح و جامع خود به تاریخ ۱۳۹۷/۹/۲۳ و در نکته ۵ قسمت سوم مبسوط نامه سوال ۱۰۶ چنین متذکر شده بود که: « نکته ۵: نحوه رسیدگی در جلسه مقدماتی در دادگاه کیفری دو و مدشون در ماده ۳۴۱ و در دادگاه کیفری یک در ماده ۳۸۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ آمده است. با مقایسه این دو ماده نیز به نکات مهمی دست می یابید. از شبکه مقررات ق.آ.د.ک. ۹۲ ناظر بر تشکیل جلسه دادگاه های کیفری با تعدد یا وحدت قاضی همواره در آزمون های وکالت سؤال آمده و باز هم خواهد آمد... » دیدید که این پیش بینی هم محقق شد.

نکته ۴: تیر خلاص به پاسخ این سوال را در نکته ۵ قسمت سوم مبسوط نامه سوال ۱۱۳ آزمون هفتم از ۶۵ مرحله ای وکالت ۹۸ مورخ ۱۳۹۸/۷/۲۴ دیده اید که بیان کردیم: « دادگاه کیفری دو، مطابق بند الف و به ماده ۳۴۰ و ماده ۳۴۱ حتی قبل از ورود به رسیدگی، در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت و مواردی که مستقیماً وارد رسیدگی می شود و حتی زمانی که پرونده با کیفرخواست به دادگاه ارسال شده است، حق صدور قرار عدم صلاحیت یا قرار منع تعقیب و موقوفی تعقیب متهم را دارد. طبق بند الف ماده ۳۴۰: « چنانچه دادگاه خود را صالح به رسیدگی نداند، قرار عدم صلاحیت صادر می کند و اگر مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب بداند، حسب مورد، اتخاذ تصمیم می کند. » آیا همین نکته پاسخ این سوال آزمون وکالت ۹۸ نبود؟

۱۱۶. در صورتی که دادگاه تجدیدنظر، تحقیقات دادگاه بدوی را ناقص تشخیص دهد، کدام مورد صحیح است؟

(۱) رأساً مبادرت به تحقیق کرده یا قرار رفع نقص صادر می کند و پرونده را نزد دادسرای صادرکننده کیفرخواست یا دادگاه صادرکننده رای می فرستد.

(۲) رأساً مبادرت به تحقیق کرده یا با صدور قرار رفع نقص، صرفاً پرونده را نزد دادگاه صادرکننده رای می فرستد.

(۳) صرفاً قرار رفع نقص صادر و پرونده را نزد دادسرای صادرکننده کیفرخواست یا دادگاه صادرکننده رای می فرستد.

(۴) قرار رفع نقص صادر و پرونده را صرفاً نزد دادسرای صادرکننده کیفرخواست می فرستد.

۱۱۶. گزینه ۱ پاسخ است. موضوع اصلی پرسش: « نحوه اقدام دادگاه تجدیدنظر در صورت نقص تحقیقات »

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش: نکته ۱: سوال از متن بند الف ماده ۴۵۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ و تبصره های آن است: « الف- در صورتی که تحقیقات ناقص باشد، قرار رفع نقص صادر می کند و پرونده را نزد دادسرای صادرکننده کیفرخواست یا دادگاه صادرکننده رای می فرستد تا پس از انجام دستور دادگاه تجدید نظر استان، آن را بدون اظهار نظر اعاده کند و یا دادگاه تجدیدنظر می تواند خود مبادرت به انجام تحقیقات نماید... »

نکته ۲: لذا گزینه ۱ با این متن « رأساً مبادرت به تحقیق کرده یا قرار رفع نقص صادر می کند و پرونده را نزد دادسرای صادرکننده کیفرخواست یا دادگاه صادرکننده رای می فرستد. » پاسخ این سوال است.



حقوق دانان هوشمند، فقط ادعایی را می پذیرند که مستند و مستدل باشد.

قسمت دوم : تطبیق مستند

نکته ۱: نظر به اهمیت ماده ۴۵۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ در مجموع مبسوط نامه های بی بدیل آزمون های بی نظیر مفهومی-مهارتی وکالت ۹۸ موسسه دادستان، تا قبل از ۵ آزمون جامع آخر، جمعاً ۲۹ بار به ماده ۴۵۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ استناد و اشاره شده است لکن در پنج آزمون جامع آخر به جهت اهمیت شبیه سازی به آزمون، جمعاً ۲۲ بار دیگر به این ماده مهم استناد شده است. در مجموع کل آزمون های ۶۵ مرحله ای، ۵۱ بار به این ماده مهم استناد و از آن طرح سوال شده است. **نکته ۲:** تا بحال از مبسوط نامه سوال ۱۱۳ آزمون جامع اول (آزمون ۲۴ از ۶۵ مرحله ای دادستان) مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۹ برای پاسخ دادن به سوالات ۱۱۳ و ۱۱۴ آزمون وکالت ۹۸ کمک و بهره جسته ایم. حال به نکته شماره ۹ از قسمت سوم مبسوط نامه همین سوال تحت عنوان: « نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش » بیشتر دقت کنید تا به وضوح جواب را ببینید. **نکته ۳:** طبق این نکته: « ... نکته ۹: تفاوت رای دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور در طرق عادی اعتراض کیفری، محدود به موارد فوق نیست. مثلاً طبق بند الف ماده ۴۵۰ ق.آ.د.ک. ۹۲: « در صورتی که تحقیقات ناقص باشد » دادگاه تجدیدنظر استان، بدون نقض حکم یا قرار بدوی « قرار رفع نقص صادر می کند » و یا خود تکمیل تحقیقات می کند و یا آن را به دادگاه بدوی یا دادسرا محول می کند. » آیا این نکته از بند الف ماده ۴۵۰ ق.آ.د.ک. ۹۲ پاسخ سوال ۱۱۶ آزمون وکالت ۹۸ نیست؟

نکته ۴: خاصیت مبسوط نامه شبکه ای مانند خود روش شبکه ای این است که با تسلط به یک شبکه براهتی م بتوان به چندین سوال مرتبط با آن شبکه پاسخ درست، سریع، دقیق و قاطع داد. این را یک دادستانی با تمام وجود الان درک می کند. باور ندارید بروید و بپرسید و یا دادستانی شوید و امتحان کنید.

۱۱۷. شخصی به اتهام خیانت در امانت، به موجب حکم بدوی محکوم شده و قبل از پایان مهلت تجدیدنظر خواهی، حق تجدیدنظر خواهی خود را اسقاط می نماید. کدام مورد صحیح است؟

- (۱) به درخواست محکوم علیه، دادگاه راسا به موضوع رسیدگی کرده و می تواند مجازات را عندالاقضا به تشخیص خود تخفیف دهد.
- (۲) به درخواست محکوم علیه، دادگاه با حضور دادستان رسیدگی کرده و می تواند مجازات را عندالاقضا به تشخیص خود تخفیف دهد.
- (۳) با تقاضای تخفیف مجازات، دادگاه با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و تا یک چهارم مجازات تعیین شده را کسر می کند.
- (۴) با تقاضای تخفیف مجازات، دادگاه راسا به موضوع رسیدگی و یک چهارم مجازات تعیین شده را کسر می کند.

۱۱۷. گزینه ۳ پاسخ است. موضوع اصلی پرسش: « تخفیف تامین بعد از صدور حکم »

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از متن ماده ۴۴۲ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که مقرر می دارد: « در تمام محکومیت های تعزیری در صورتی که دادستان از حکم صادره درخواست تجدیدنظر نکرده باشد، محکوم علیه می تواند پیش از پایان مهلت تجدیدنظر خواهی با رجوع به دادگاه صادرکننده حکم، حق تجدیدنظر خواهی خود را اسقاط یا درخواست تجدیدنظر را مسترد نماید و تقاضای تخفیف مجازات کند. در این صورت، دادگاه در وقت فوق العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و تا یک چهارم مجازات تعیین شده را کسر می کند. این حکم دادگاه قطعی است. »

نکته ۲: لذا گزینه ۳ با این متن « با تقاضای تخفیف مجازات، دادگاه با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و تا یک چهارم مجازات تعیین شده را کسر می کند » پاسخ این سوال است.



حقوق دانان هوشمند، فقط ادعایی را می پذیرند که مستند و مستدل باشد.

قسمت دوم: تطبیق مستند

نکته ۱: در مجموع مبسوط نامه های بی بدیل آزمون های بی نظیر مفهومی-مهارتی وکالت ۹۸ موسسه دادستان، تا قبل از ۵ آزمون جامع آخر ، جمعاً ۱۴ بار به ماده ۵۰۲ ق.آ.د.ک. ۹۲ استناد و اشاره شده است لکن در سوال ۱۰۴ آزمون جامع اول یک بار دیگر به این ماده مهم استناد شده است. در مجموع کل آزمون های ۶۵ مرحله ای، ۱۵ بار به این ماده مهم استناد و از آن طرح سوال شده است.

نکته ۲: در قسمت اول مبسوط نامه سوال ۱۰۴ آزمون جامع اول با عنوان: «قسمت اول: تحلیل سریع گزینه ها» چنین خوانده اید که: «گزینه ۱ مطابق متن بند پ ماده ۴۸۸ ق.آ.د.ک. ۹۲ و گزینه ۳ طبق بندب ماده ۴۸۹ و گزینه ۴ طبق ماده ۴۹۴ ق.آ.د.ک. ۹۲ ناظر بر مواد متعددی مانند ۵۰۱ تا ۵۰۳ ق.آ.د.ک. ۹۲ درست هستند...» حالا اگر مواد ۵۰۱ تا ۵۰۳ را به روش شبکه ای برای فهم همین نکته ساده خوانده باشید، به این سوال ساده آزمون وکالت ۹۸ هم باید پاسخ بدهید.

نکته ۳: در قسمت سوم مبسوط نامه سوال فوق الذکر نیز بار دیگر به مفاد این ماده اشاره و تصریح شده است: «نکته ۷: از دیگر موارد توقف یا تعویق اجرای مجازات می توان به مواد تبصره ۲ ماده ۴۰۶، ماده ۴۷۸ و تبصره آن، مواد ۴۷۸، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۲۲ و ۵۴۲ اشاره نمود». قطعاً برنده امروز کسی است که دیروز بهای برنده شدنش را با مطالعه و مرور این مواد خوانده است.

۱۱۹. در صورت طرح پرسش های تلقینی از سوی بازپرس در حین بازجویی از متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، کدام یک از موارد زیر، صحیح است؟

(۱) صرفاً وکیل متهم می تواند به بازپرس تذکر دهد.

(۲) صرفاً موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

(۳) موجب بطلان تحقیقات و محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

(۴) وکیل متهم می تواند به بازپرس تذکر دهد و همچنین، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

۱۱۹. گزینه ۴ پاسخ است. موضوع اصلی پرسش: «تشریفات تفهیم اتهام»

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:

نکته ۱: سوال از شبکه بین تبصره ماده ۱۹۵ و ماده ۱۹۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ است: «بازپرس پیش از شروع به تحقیق باتوجه به حقوق متهم به وی اعلام می کند مراقب اظهارات خود باشد. سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می کند و به او اعلام می نماید که اقرار یا همکاری مؤثر وی می تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد و آنگاه شروع به پرسش می کند. پرسشها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است.»

نکته ۲: تبصره ماده ۱۹۵ می افزاید: «وکیل متهم می تواند در صورت طرح سؤالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون به بازپرس تذکر دهد.» این قسمتی از پاسخ این سوال است.

نکته ۳: قسمت دیگر پاسخ در ماده ۱۹۶ ق.آ.د.ک. ۹۲ است که می گوید: «تخلف از مقررات مواد (۱۹۳) تا (۱۹۵) این قانون موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.»

نکته ۴: لذا گزینه ۴ با این متن «وکیل متهم می تواند به بازپرس تذکر دهد و همچنین، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.» پاسخ این سوال است.



در آزمون وکالت ۱۳۹۸ پیروزی از آن حقوقدانان قدرتمندی بود که به آزمونهای مفهومی و مهارتی داداستان مسلط بودند.

قسمت دوم : تطبيق مستند :

نکته ۱: در مجموع مبسوط نامه های بی بدیل آزمون های بی نظیر مفهومی-مهارتی وکالت ۹۸ موسسه داداستان، تا قبل از ۵ آزمون جامع آخر، جمعاً ۷ بار به ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ استناد و اشاره شده است لکن در سوال ۱۱۳ و ۱۱۹ آزمون جامع پنجم و آخر در هفته قبل، چهار بار دیگر به این ماده غیرمهم استناد شده است. در مجموع کل آزمون های ۶۵ مرحله ای، ۱۱ بار به این ماده مهم استناد و از آن طرح سوال شده است.

نکته ۲: هرچه یادتان رفته باشد، یادتان نرفته که آزمون جامع پنجم و آخر یعنی آزمون ۲۸ از ۶۵ مرحله ای مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۰۱ که هفته گذشت برگزار شد، از یاد داداستانیها نرفته است. خوب حال به نکته دوم قسمت سوم مبسوط نامه سوال ۱۱۳ همین آزمون که معنون به عنوان: «مرور برخی نکات مهم سابق آزمون های قبلی موسسه داداستان در خصوص موضوع این سؤال (ویرایش شده با اصلاحات جدید قانون):» می باشد، دقت کنید. «نکته ۲: در قانون عمده ضمانت اجرای تخلفات قضایی، «محکومیت انتظامی تا درجه ۴» است. که در متن مواد ۱۶۸ و ۳۷۴ و ۴۶۰ و متن تبصره مواد ۳۲، ۱۰۶، ۱۹۵، ۲۲۹، ۵۱۸ و ۶۰۹ و تبصره ۲ ماده ۳۳۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ ذکر شده است.» آیا این نکته قسمتی از پاسخ این سوال آزمون وکالت ۹۸ نبود؟

نکته ۲: تشریفات تفهیم اتهام نیز موضوع اصلی سوال ۱۱۹ همین آزمون بود و سه بار دیگر به متن این ماده در این سوال استناد شده است. **نکته ۴:** علاوه بر این به دو نکته ذیل از قسمت سوم مبسوط نامه سوال ۱۱۵ آزمون تعیین سطح (جامع اول) مورخ ۹۷/۹/۲۳ نیز خوب دقت کنید که بخش دیگری از پاسخ این سوال شبکه ای آزمون وکالت ۹۸ به روش شبکه ای در آن بیان شده است: «.....نکته ۱۳: اما در خصوص نقش وکیل و وظایف و اختیارات وی در دادرسی کیفری، مقنن در مواد متعدد دیگری به آنها اشاره کرده است که یکی از آنها همین ماده ۳۴۹ ق.آ.د.ک. ۹۲ و ۱۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا است. نکته ۱۴: از جمله این مواد می توان به مواد ۶۸، ۸۶، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۹۱، ۱۹۵، ۲۶۲ و ۲۶۳، ۳۳۰ و ۳۳۱، ۳۴۲، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۴، ۳۵۹، ۳۷۱، ۳۷۸، ۳۸۰، ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۳۸۸، تبصره ۳۸۹، ۳۹۴، ۳۹۷ و ۳۹۸ و ۳۹۹، ۴۰۴، ۴۰۶، ۴۱۲ و ۴۱۳ و ۴۱۷، ۴۳۳، ۴۴۷، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۶۱، ۴۶۸ و ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۵، ۴۷۳، ۴۸۸ ق.آ.د.ک. ۹۲ اشاره نمود. که از ماده ۴۰۶ سؤال ۱۰۳ آزمون وکالت ۹۷ طرح شده بود.»

نکته ۵: آیا امکان تذکر وکیل به بازپرس به عنوان قسمتی از پاسخ این سوال در این دو نکته نبود؟ آیا سوال ۱۰۱ آزمون وکالت ۹۸ از نکته پایانی ذیل نکته ۱۴ در مورد ماده ۴۰۶ نبود؟ آیا این مبسوط نامه شبکه ای پاسخ حداقل دو سوال (و با احتساب ماده ۴۵۰ و ۴۶۹) و حداکثر ۴ سوال آزمون وکالت ۹۸ را به روش شبکه ای در خود ندارد؟ البته اگر مرد عمل می بودید و این مواد را که یکسال قبل متذکر شدیم، مرور می کردید، همین یک نکته شما را برای پاسخ درست دادن به چهار سوال کافی بود؟ نبود؟

۱۲۰. تحقیقات مقدماتی جرایم مشمول صلاحیت دادسرا، در صورت ارتکاب توسط کدام یک از افراد زیر، در دادرسی ویژه نوجوانان انجام می شود؟

(۱) بالغ زیر ۱۸ سال (۲) ۱۵ تا ۱۸ سال (۳) زیر ۱۸ سال (۴) ۱۲ تا ۱۵ سال

۱۲۰. گزینه ۲ پاسخ است. موضوع اصلی پرسش: «دادرسی ویژه نوجوانان»

قسمت اول: نکاتی درباره مفاهیم لازم برای پاسخ درست دادن به این پرسش:



حقوق دانان هوشمند، فقط ادعایی را می پذیرند که مستند و مستدل باشد.

نکته ۱: طبق ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک. ۹۲: «در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه ای از دادرسی عمومی و انقلاب با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می شود. تحقیقات مقدماتی جرائم افراد پانزده تا هجده سال به جز جرائم موضوع مواد (۳۰۶) و (۳۴۰) این قانون که به طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می گیرد، در این دادسرا به عمل می آید.»

نکته ۲: لذا گزینه ۲ با این متن « ۱۵ تا ۱۸ سال » پاسخ این سوال است

قسمت دوم: تطبیق مستند:

نکته ۱: نظر به اهمیت ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ در مجموع مبسوط نامه های بی بدیل آزمون های بی نظیر مفهومی-مهارتی وکالت ۹۸ موسسه دادستان، تا قبل از آزمون جامع آخر، جمعاً ۹۹ بار به ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک. ۹۲ و تبصره ۱ و ۲ آن، استناد و اشاره شده است لکن در پنج آزمون جامع آخر به جهت اهمیت شبیه سازی به آزمون، جمعاً ۲۵ بار دیگر به این ماده مهم استناد شده است. در مجموع کل آزمون های ۶۵ مرحله ای، ۱۲۴ بار به این ماده مهم استناد و از آن طرح سوال شده است.

نکته ۲: باز هم ما سکوت پیشه می کنیم و توجه شما را به متن نکته ۳ قسمت سوم مبسوط نامه سوال ۱۱۲ آزمون جامع دوم (آزمون ۲۵ از ۶۵ مرحله ای دادستان) مورخ ۱۳۹۷/۸/۴ جلب م یکنیم: «... نکته ۳: طبق ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲: «در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه ای از دادرسی عمومی و انقلاب با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می شود. تحقیقات مقدماتی جرائم افراد پانزده تا هجده سال به جز جرائم موضوع مواد (۳۰۶) و (۳۴۰) این قانون که به طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می گیرد، در این دادسرا به عمل می آید.....» آیا قسمت برجسته شده و خط کشیده شده در این نکته در مبسوط نامه شما، پاسخ این سوال آزمون وکالت ۹۸ نبود؟ ما دیگر حرفی نداریم. آنچه شرط بلاغت بود، ما گفته و باز گفتیم.

تطبیق مستند سایر دروس آزمون های مفهومی مهارتی دادستان را هم به دقت بخوانید.

موفق و موید باشید.

واحد کارشناسی و برنامه ریزی آزمون

گزیده ای از سخنان استاد قاضی زاده در آمایش نظام نوین آموزشی:

برای موفقیت، خواندن کافی نیست، فهمیدن هم کافی نیست، تسلط لازم است.

